

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحات ۱۵۹-۱۸۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه

علی مرادی^{۱*}

محسن صفاریان^۲

چکیده

امروزه در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها شاهد افزایش فاصله‌گیری اجتماعی و روانی انسان‌ها در تعاملات روزمره هستیم و طیف زیادی از مردم در برخوردهای روزمره نسبت به همدیگر بی‌تفاوت و بی‌اعتنا هستند. مطالعه حاضر باهدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی با تمرکز بر شهر کرمانشاه انجام شده است. این مطالعه با روش توصیفی از نوع پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه ساختار یافته بر روی تعداد ۶۴۳ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و استفاده از آزمون‌هایی مانند همبستگی و مقایسه میانگین‌ها و برای آزمون مدل تجربی پژوهش از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده به‌عمل آمد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میان گرایش دینی ($r = -0/12$)، میزان فردگرایی ($r = 0/18$)، میزان سلامت اجتماعی ($r = -0/25$)، میزان نشاط اجتماعی ($r = -0/32$)، میزان امید به آینده ($r = -0/22$)، وضعیت سنی ($r = 0/14$) و میزان تحصیلات ($r = 0/13$) با بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان دارای رابطه معناداری می‌باشد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهند که پنج متغیر نشاط اجتماعی، سلامت اجتماعی، دینداری، سن و میزان فردگرایی وارد معادله رگرسیونی شده و در مجموع توانسته‌اند ۴۶ درصد از تغییرات درونی متغیر بی‌تفاوتی را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: بی‌تفاوتی اجتماعی، نشاط اجتماعی، فردگرایی، امید به آینده، گرایش دینی.

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

Email: moradi.pop@gmail.com

Email: mfsafarian@gmail.com

۲- مربی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

مقدمه

بررسی و سنجش میزان و منشأ پدیدارهای آسیب‌شناختی جامعه و وقوف علمی نسبت به میزان، گسترش و علل آن‌ها از مسائل بااهمیت در نظر جامعه‌شناسان در یک قرن اخیر بوده است. این اهمیت به‌ویژه در جامعه ایران که مصداق بارزی از جامعه در حال گذار از مظاهر سنت به اشکال مدرن است و در این گذار تاریخی، با حوادث و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبرو بوده است، مشهودتر به نظر می‌رسد. برخی از محققان ایرانی در یک دهه اخیر بر این باور بوده‌اند که ایران و بسیاری از جوامع جهان سوم، عموماً در شرایط بی‌هنجار، به‌صورت حاد یا مزمن به سر می‌برند (چلبی، ۱۳۸۳؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸) یعنی نوعی وضعیت بی‌هنجار که اغلب در فرآیند گذار شتابان از جامعه پیشامدرن به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی پدید می‌آید (دورکیم^۱، ۱۳۸۷) و وضعیت پیچیده‌ای است که با بی‌هنجاری یا ضعف هنجاری و تعارض همراه است. از طرفی این موضوع می‌تواند با توسعه اجتماعی ارتباط تنگاتنگ پیدا کند؛ در توسعه اجتماعی کنش‌های متقابلی شکل می‌گیرد که حرکت تمدن را به سوی فردگرایی، ارتباطات منطقی و تعریف شده و خارج از روابط احساسی و عاطفی سوق می‌دهد. بنابراین توسعه اجتماعی الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فراینده جامعه منجر می‌شود و در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی، در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زائد رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش و اعتقاد مطلوب‌تر است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۹)؛ اما این وضعیت پیامدهای رفتاری دیگری مانند بی‌میلی‌ها و بی‌توجهی‌ها را به دنبال می‌آورد. لازم به ذکر است که توسعه اجتماعی در مواردی با فراموش کردن، بریدن و گسستن از سنت‌های جمع‌گرای مردم است که می‌تواند به بی‌تفاوتی اجتماعی منجر شود.

بی‌تفاوتی در طیف وسیعی، انواعی از بی‌توجهی‌ها و بی‌میلی‌های بشر در موضوعات مختلف نظیر بی‌توجهی به حادثه دیدگان، نیازمندان، گران‌فروشی، بی‌عدالتی، تخریب محیط‌زیست، مفاسد اجتماعی و در سطحی وسیع‌تر بی‌تفاوتی دولت‌ها به نسل‌کشی ناشی از

1- Durkhiem

جنگ‌های نابرابر را در برمی‌گیرد (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۱۶). بی‌تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هم‌نوعان، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شرایط موجود و آینده دچار بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی می‌شوند.

در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم بی‌تفاوتی، برخی نویسندگان از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت و درگیری استفاده کرده‌اند (مسعودنیا، ۱۳۸۰) از این رو بی‌تفاوتی با عزلت‌گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم قرار گرفته است. برخی دیگر نیز نوع‌دوستی را در مقابل بی‌تفاوتی قرار داده به تحلیل و پژوهش در باب آن پرداخته‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶) برخی، بی‌تفاوتی اجتماعی را مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی قرار داده و در تحلیل خود، آن را مقابل علاقه اجتماعی درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی تعریف می‌کنند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۲۲).

شهرنشینی یکی از دلایل عمده شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان است. در بی‌تفاوتی روابط عاطفی و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال دیگران کمتر شود. در نتیجه این بی‌تفاوتی، تغییر در سبک زندگی و تغییر در ساختار خانواده رخ داده است. بی‌تفاوتی اجتماعی امروز در جامعه ما چنان عمیق شده است که مجبوریم جشن‌های گلریزان برگزار کنیم. بی‌تفاوتی، به مثابه مسئله‌ای اجتماعی، نه تنها معلول عوامل مختلفی است، بلکه بر شکل‌گیری مسائل اجتماعی نیز اثر می‌گذارد. اگر بی‌تفاوتی به‌عنوان یک الگوی رفتاری در جامعه شکل یابد، جامعه‌پذیری بی‌تفاوتی برای افراد در جامعه تسهیل و تسریع می‌شود. در چنین وضعیتی، بی‌تفاوتی به‌رغم مغایرت با روح انسانی، به شکل ارزش و الگوی اجتماعی در جامعه مطرح می‌شود و در مدت زمان محدودی، به‌صورت اپیدمی در جامعه گسترش می‌یابد. این رفتار قادر است با شکل‌دهی نوعی تعاملات اجتماعی خاص در جامعه، تمام نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را دچار تحول و دگرگونی می‌سازد (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۱۹).

با توجه به نکات مذکور، سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. در مورد شهر کرمانشاه این اهمیت دوچندان است؛ زیرا به‌عنوان یکی از

کلان‌شهرهای کشور، شهر کرمانشاه می‌تواند در مواجهه با مسائل شهری و زندگی ماشینی، مستعد بروز بی‌تفاوتی اجتماعی و گسترش فرهنگ فردگرایی باشد. چند فرهنگی بودن، مرزنشینی، کاهش امکانات رفاهی نسبت به شهرهای نزدیک به پایتخت، بالا بودن میزان بیکاری، خودکشی، طلاق و سایر مسائل اجتماعی، نمونه‌های تأمل‌برانگیز از چگونگی بروز و گسترش یک مسئله اجتماعی در سطح ملی و وارد آمدن صدمات سنگین به احساس امنیت روانی شهروندان در یک کلان‌شهر است. رواج شایعات متعدد در خصوص تعدد موارد وقوع این جرم و اعتراض‌های گوناگون به عملکرد نهادهای ذی‌ربط نشان می‌دهد که احساس امنیت روانی در شهر کرمانشاه تا حد قابل‌توجهی تضعیف شده به‌گونه‌ای که بسیاری از خانواده‌ها از تردد دختران خود در سطح شهر اکراه داشته و حتی‌الامکان از خروج آن‌ها از منزل جلوگیری می‌کنند؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عوامل اجتماعی در بروز بی‌تفاوتی در بین شهروندان شهر کرمانشاه دخالت دارد؟

هدف کلی این پژوهش تعیین تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان بی‌تفاوتی شهروندان شهر کرمانشاه است. اهداف ویژه به شرح زیر می‌باشد:

- شناخت رابطه بین میزان فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان
- شناخت رابطه بین میزان سلامت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان
- شناخت رابطه بین میزان گرایش دینی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان
- شناخت رابطه بین میزان امید به آینده و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان
- شناخت رابطه بین میزان نشاط اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان
- شناخت تأثیر متغیرهای جمعیتی (سن، جنسیت، میزان تحصیلات، قومیت، محل تولد، مدت زمان سکونت) بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان

پیشینه پژوهش

علمدار و همکاران (۱۳۹۷) مطالعه تحت عنوان فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان انجام دادند. بر اساس یافته‌ها، در نسبت با دو حوزه تقابل نمادین

اصلی (برابری - نابرابری) و (صمیمیت - غریبگی) که در فرایند تعاملی ایرانیان وجود دارد، انواعی از موقعیت اجتماعی برای خلق بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارند.

فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۶) مطالعه‌ای تحت عنوان بی‌تفاوتی زیست‌محیطی به مثابه بی‌تفاوتی اجتماعی انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بی‌تفاوتی زیست‌محیطی تحت تأثیر متغیرهای زیست‌محیطی، احساس مسئولیت، دانش زیست‌محیطی و اثربخشی می‌باشد و با افزایش این متغیرها، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی کاهش می‌یابد. از بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، تأهل، درآمد، سن و تحصیلات)، تنها رابط متغیر تحصیلات با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی معنادار می‌باشد.

علیانسب و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: فرهنگیان منطقه ۱۸۲۱ استان آذربایجان شرقی) به این نتایج دست یافت که بیگانگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی و رضایت اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارند.

ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی؛ نشان دادند که متغیرهایی مانند از خودبیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه پاداش و ادراک عدالت با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌دار دارند.

راینسون و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان همدلی درون گروه در برابر بی‌تفاوتی نسبت به قربانی: تأثیر دلبستگی بر داوری اخلاقی انجام دادند. این نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان اضطراب افراد و اجتناب آنها از دلبستگی بر قضاوت‌های اخلاقی تأثیرگذار است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که افراد متعهد، قضاوت‌های عادلانه‌تری در رفتارهای اجتماعی خود دارند و از نگرش‌هایی مانند نیاز به تعلق و تمرکز بر رفاه گروه، دفاع می‌کنند؛ از طرفی افراد متعهد می‌توانند قضاوت‌های سودمندانه‌ای را در مورد همدردی با قربانی اتخاذ کنند که این قضاوت ناشی از حس همدردی با دیگران است.

مورتی و پانب^۱ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای تحت عنوان بی‌تفاوتی نسبت به مسائل محیط‌زیست، خودشیفتگی و دیدگاه رقابتی جهان انجام دادند. این مطالعه بر روی ۲۲۵ دانشجوی دانشگاهی (۱۳۸ مرد، ۸۷ زن) از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از چندین رشته دانشگاهی در جاکارتا، پایتخت اندونزی انجام گرفته شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که که خودشیفتگی قادر است به‌طور غیرمستقیم با توجه به دیدگاه رقابتی جهان، بی‌نظمی را نسبت به محیط زیست پیش‌بینی کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از مطالعات داخلی نوعی هم خطی چندگانه بین برخی از متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد؛ مثلاً از خودبیبگانگی در مطالعه علیا نسب و همکاران (۱۳۹۵) و ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) نمونه‌ای از این مورد است. مطالعاتی مثل فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۶) بر متغیرهای جمعیتی و علمدار و همکاران (۱۳۹۷) بر یک متغیر تمرکز نموده‌اند. از طرفی در مطالعات خارجی بیشتر بی‌تفاوتی را از جنبه روانشناسی مورد بررسی قرار داده‌اند. با این وجود، در مطالعه ضمن استفاده از برخی متغیرهای پژوهش‌های انجام شده؛ سعی شده با دیدی جامع‌نگر مطالعه پیش رو نسبت به این مساله از یک سو مطالعه بر روی حجم بالایی از شهروندان از سوی دیگر تا حدی نتایج به واقعیت نزدیک شود؛ از طرفی ضمن آزمون فرضیه‌ها در این مطالعه از رگرسیون و تحلیل مسیر برای آزمون مدل تجربی استفاده به عمل آمده است.

ادبیات نظری پژوهش

دیدگاه زیمل و بی‌تفاوتی: یکی از مسائلی که امروزه جامعه شهری با آن روبه رو است، مسئله فرایند زندگی اجتماعی روزمره شهری است. در شهرهای بزرگ وضعیت‌های اضطراری اتفاق می‌افتد که طی آن شهروندان به کمک فوری نیاز دارند تا بتوانند زندگی خود را نجات دهند یا به روال عادی برگردند. نظریه‌پردازان اجتماعی معتقدند که شهر و محیط یا ساختار ویژه آن، در اینکه شهروندان کدام الگوی رفتاری (نوع دوستی یا بی‌تفاوتی) را انتخاب می‌کنند، عامل مهمی است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۷۹). رشد جمعیت شهر، افراد را در موقعیت

1- Murty and Paneb

گمنامی، تنهایی، بدون وابستگی خانوادگی و بدون دوست و آشنا قرار می‌دهد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۳۵).

به تعبیر زیمل، شهر، محرک‌های عصبی را تشدید می‌کند و شهرنشینی فرد را مجبور می‌کند که از پیوندهای عاطفی با گروه‌های نخستین (خانواده و گروه همسالان) جدا و به عضویت جدید درآید که گروه دومین نام دارد (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۷). گروه دومین در شهرها، شهرنشین را به خودداری و به ایستار بیزاری سوق می‌دهد. گسترش دایره روابط اجتماعی و این ایستار خودداری باعث می‌شود، فرجه آزادی‌های شخصی شهرنشین افزایش یابد و این همان حسی است که او را به بیزاری و کارهای عجیب و غریب سوق می‌دهد (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۸). زیمل از شکل‌گیری نگرش بلازه^۱ در زندگی شهری یاد می‌کند یعنی حالت بی‌تفاوتی که زمانی پدید می‌آید که اعصاب آن قدر مورد تهاجم محرک‌های متناقض قرار گرفته باشد که به سرحد تحریک‌پذیری برسد و دیگر توانایی پاسخ دادن را نداشته باشد. کسی که دچار بلازه می‌شود نسبت به تمایز میان چیزها بی‌تفاوت می‌شود، به این معنا که تمایز بین چیزها بی‌اهمیت می‌شود. و اولییتی برایش ندارد این ذهنیت در چهار چوب اقتصاد پولی شکل می‌گیرد؛ چون پول وارد تمام ابعاد زندگی می‌شود و همه تفاوت‌ها با پول سنجیده می‌شود. درون همه‌چیز خالی می‌شود و ویژگی و بی‌همتا بودن امری بی‌معنا تلقی می‌شود (ممتاز، ۱۳۷۹: ۳۵). به عبارت دیگر، از دیدگاه زیمل چنین بستری به گذار تأسف برانگیزی اشاره می‌کند که در آن شخصیت افراد به ظرفی تهی از بیهودگی فرو کاسته می‌شود و نزدیکی فیزیکی، به فاصله اجتماعی مبدل می‌شود و فرد در جمعیت‌های کلان‌شهری، گمنام تر از هر جای دیگر است (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۲۶).

به نظر زیمل انسان شهری اهمیتی به مسائل و گرفتاری‌های دیگران نمی‌دهد و نمی‌خواهد خود را در گیر مشکلات دیگران کند. وی بی‌تفاوتی را برای زندگی در شهر لازم می‌داند و معتقد است که این بی‌تفاوتی امکان دارد به صورت یک تعارض محاسبه‌شده نیز در آید. به نظر او [این حس بی‌تفاوتی] در ناخودآگاه ما به صورت یک حالت بی میلی، بیگانگی متقابل و دافعه در می‌آید که پاره‌ای اوقات هم تبدیل به تنفر و جنگ می‌شود (صدیق

سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). زیمل، نمود و ظهور بیگانگی را بازندگی مردم در کلان‌شهرها، فردگرایی، غلبه رواج امور عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و در نهایت دل‌زدگی اجتماعی ارزیابی کرده است. وی معتقد است انسان‌ها در جامعه مدرن، بر اثر تجربیات و پرورش شخصیتی متفاوت از یکدیگر متمایز می‌شوند، این امر، در پیوندهای جدانشدنی با گروه نخستین تردید ایجاد می‌کند. مردم در جوامع مدرن، الگوی یکسانی را در وابستگی‌های گروهی خود ندارند. آن‌ها می‌توانند در موقعیت‌هایی با رتبه‌های متفاوت و در گروه‌های متمایز مشغول شوند. این تمایزهای اجتماعی، استفاده از ملاک‌های غیر انتسابی یا عقلانی را برای تشکیل روابط اجتماعی افزایش می‌دهد. در این حالت، ایجاد روابط اجتماعی، با وابسته شدن فرد به گروه‌های چندگانه و ظهور فردگرایی همراه است. حین بروز فردگرایی، بسیاری از وابستگی‌های گروهی با تضاد روبه‌رو می‌شود. در این دیدگاه، بیگانگی به شکل احساسات انزوا و بی‌قدرتی بروز می‌یابد (ترنر^۱، ۱۹۹۸: ۲۵۹-۲۶۰).

دیدگاه تالکوت پارسونز^۲ و بی‌تفاوتی: پارسونز در طراحی نظام سبیرنتیکی خود به رابطه دیالکتیکی خرده نظام‌های اقتصادی، فقر، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. پارسونز به ایفای نقش و مسئولیت‌پذیری کنشگران در موقعیت‌های افراد در درون خرده‌نظام‌ها اشاره می‌کند (توسلی ۱۳۸۵: ۲۴۰؛ کرایب ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳ و چلیبی ۱۳۸۲: ۹۶-۸۶). عام‌گرایی به عنوان یکی از عناصر ساختی نظام کنش در فرآیند انتخاب‌های دوتایی موجب دوری از خاص‌گرایی و توجه به منافع جمعی و ارزش‌های نوع‌دوستی و نهایتاً مسئولیت‌های اجتماعی خواهند شد (استونز^۳، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و روشه^۴ ۱۳۷۶: ۷۰). وی انسجام اجتماعی را نتیجه رشد شخصیت و جامعه‌پذیری کودک در فرآیند اجتماعی شدن می‌داند (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰). بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت مؤثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقق پیدا نمی‌کند. برای ایجاد مشارکت مؤثر باید نظام تمایلات افراد در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به بسط اخلاق مسئولیت‌پذیری، خردورزی، خوداتکایی، فعال‌گرایی، عام‌گرایی و میل به پیشرفت

1- Turner et al
2- Talkot Parsons
3- Stones
4- Russe

تغییر یابد (دشتی ۱۳۷۶: ۲۳). پارسونز معتقد است کنشگران در وضعیت‌های اجتماعی با پنج جفت از موضوعات دو وجهی (متغیرهای الگویی) روبه‌رو می‌شوند. یکی از موضوعات دووجهی (کنش عاطفی و یا بی‌توجهی عاطفی) که کنشگر با آن مواجه می‌شود، کسب رضایتمندی آنی در وضعیت اجتماعی یا تغییر آن به‌صورت ارادی است. از دیگر مسائل دووجهی که با مقوله فردگرایی و در نهایت، بی‌تفاوتی اجتماعی در ارتباط قرار می‌گیرد، (خود-جهت‌گیری) در برابر (جمع-جهت‌گیری) است؛ به این معنا که شخص به کدام منافع (خود یا جمع) اولویت می‌دهد (کوئن^۱، ۱۳۸۱: ۱۴۴). افراد با اتخاذ رویکرد خود-جهت‌گیری، منافع خود را بر جمع مقدم می‌دانند و از پرداخت هزینه‌های مشارکت اجتناب می‌ورزند.

دیدگاه هابرماس^۲ و بی‌تفاوتی: هابرماس، فروپاشی حوزه عمومی را نتیجه استعمار جهان حیاتی توسط عقلانیت صوری (نظام‌ها) می‌داند: سلطه قانون و نظامند شدگی بر زندگی فرهنگی، موجب از دست رفتن معنا، تزلزل هویت جمعی، بی‌هنجاری، بیگانگی و شی‌گونگی جامعه خواهد شد؛ لذا وی تجدد را شورشی علیه سنت و ارزش‌ها می‌داند (ریترز، ۱۳۸۷: ۲۱۱). هابرماس، جامعه را مرکب از نظام‌ها و جهان حیاتی می‌داند. نظام، قلمرو عقلانیت صوری است و جهان حیاتی جایگاه عقلانیت ذاتی است که میان آن‌ها به نوعی تعالی یا رابطه دیالکتیکی حاکم است. هدف کنش معقول هدف‌دار (مختص به عقلانیت صوری) رسیدن به هدف است ولی هدف کنش ارتباطی (مختص به عقلانیت ذاتی) رسیدن به تفاهم است. اولی موجب رشد نظارت‌های فنی بر زندگی و دومی موجبات ارتباطی آزاد و دور از هرگونه محدودیت را فراهم می‌سازد. به‌زعم هابرماس، استعمار فرهنگی در جهان نوین، زمانی شکل می‌گیرد که عقلانیت صوری بر عقلانیت ذاتی پیروز شود. کنش ارتباطی، به سوی عدم توافق پیش می‌رود و ارتباط انسانی را فقیرتر، تکه‌پاره‌تر و منجمدتر می‌کند و در نهایت، موجب گسیختگی جهان حیاتی می‌شود. هرچقدر ساختارها قدرت بیشتری یابند، اعمال قدرت بالاتری بر جهان حیاتی می‌یابند. این ساختارها فراگرد رسیدن به توافق در جهان حیاتی را محدود می‌سازند. اعمال نظارت شدیدتر، سبب کاهش ارتباط زبانی مانند مباحثه می‌شود که به‌دنبال حقیقت ظرفیت ارتباط و رسیدن به تفاهم است. اخلال در هر

1- Coen

2- Habermas

مرحله از فرایندهای مباحثه، موجب به توافق نرسیدن است. از این رو نظام‌ها با تحریف فرایندهای مراحل توافق زبانی، زمینه گسیختگی انسجام را فراهم می‌کنند. حاکمیت عقلانیت صوری بر روابط اجتماعی، سبب از خودبیگانگی و بی‌تفاوتی افراد می‌شود (میرزا پوری، ۱۳۹۵: ۶۹).

گافمن و بی‌تفاوتی اجتماعی: به نظر گافمن، مردم در شهرها صرف‌نظر از این که در چه بخشی از جهان زندگی می‌کنند، چیزهایی می‌بینند که به دفعات بی‌شمار در طول روز انجام می‌شود بی‌آن که به آن‌ها توجهی داشته باشند. به تعبیر وی، وقتی دو نفر در خیابان از روبروی هم می‌گذرند، نگاه بسیار گذرای با همدیگر رد و بدل می‌کنند و سپس نگاه خود را برمی‌گردانند و با اجتناب از نگرستن به همدیگر از کنار هم می‌گذرند. آن‌ها با این کار چیزی را به نمایش می‌گذارند که بی‌اعتنایی مدنی^۱ نام دارد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۱۶). از نظر گافمن بی‌اعتنایی چیزی است که ما در موقعیت‌های زیادی از یکدیگر انتظار داریم. گافمن معتقد است که زندگی در شهر کاری تکراری ولی منظم است، به همین جهت فرد در حالی که در محاصره تعداد زیادی افراد ناشناس قرار دارد می‌تواند نیازهای شخصی خود را بر آورده سازد. به نظر او انسان‌ها در خیابان دلیلی برای حضور خود در آنجا دارند، ما به خیابان می‌آیم زیرا می‌خواهیم به کار خود برسیم یا می‌خواهیم به رستوران برویم یا دوستی را ببینیم یا اینکه می‌خواهیم قدم بزنیم؛ اما اینکه من مشاهده گر نمی‌توانم انگیزه‌های حضور در خیابان در کنار دیگران را ببینم دلیل بر آن نیست که آنان هیچ انگیزه‌ای ندارند (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

بررسی نگرش‌های گوناگون در ارتباط با متغیر وابسته این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا چشم اندازه‌های تحلیلی خود را وسعت دهد و وجوه گوناگون مسأله پژوهش را آشکار سازد و در نهایت چهارچوب مناسبی برای آن برگزیند.



مدل شماره ۱: مدل تجربی پژوهش (برگرفته از فرایند پژوهش)

فرضیه های پژوهش

- بین میزان فردگرایی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان سلامت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان گرایش دینی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین میزان نشاط اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- عوامل زمینه ای بر بی تفاوتی اجتماعی شهروندان تأثیر معنادار دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پیمایش برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر و پرسشنامه برای گردآوری داده های لازم استفاده گردید. جامعه آماری در این پژوهش، شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه است. کل جمعیت شهر کرمانشاه در سرشماری ۱۳۹۵ برابر ۲۸۶۴۸۴ و هم چنین برآورد آن برای سال ۱۳۹۷ با مقدار ۹۸۳۷۶۴ از آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن اخذ شد. برای تعیین حجم نمونه براساس جدول نمونه گیری لین^۱ با خطای کمتر از ۴ درصد، تعداد^۱ ۶۴۳

1- Lin

نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده به‌عمل می‌آید. با توجه به این که جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن نمی‌باشد، به ناچار باید در ابتدا جامعه آماری تقسیم شود و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب گردد. لذا در مطالعه حاضر ابتدا خوشه‌های مختلف در شهر کرمانشاه مشخص و سپس با استفاده از روش تصادفی ساده دست به انتخاب نمونه موجود در هر خوشه زده شد. با توجه به این که در شهر کرمانشاه مناطق متعدد و زیادی وجود دارد؛ سعی گردید از ۸ منطقه شهر، نمونه‌گیری انجام شود. بنابراین از هر منطقه به صورت تصادفی سه محله که در آن منطقه بالا، میانی و پایین منطقه بودند، انتخاب و در نهایت در ۲۴ محله از شهر کرمانشاه، پرسشنامه‌ها توزیع گردید. از منطقه ۱ (چقامیرزا، گذرنامه و نوبهار)، از منطقه ۲ (دولت آباد، فرهنگیان فاز یک و سنجایی)، از منطقه ۳ (جعفرآباد، شهرک بسیج و خیابان مدرس)، از منطقه ۴ (شهرک صادقیه، گمرک و فردوسی)، از منطقه ۵ (مسکن، طاقبستان و کارمندان)، از منطقه ۶ (بهداری، معلم و دادگستری)، از منطقه ۷ (باغ ابریشم، آناهیتا و رودکی) و از منطقه ۸ (زیباشهر، پردیس و وکیل آقا) مورد مطالعه قرار گرفتند.

در پژوهش حاضر از روش ارزیابی اعتبار صوری پژوهش استفاده گردید. جهت اعتبار صوری نیز پس از طراحی گویه‌های طیف‌های مربوطه در اختیار متخصصان قرار گرفت. اظهارنظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. در زمینه پایایی ابزار پژوهش نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده به عمل آمد. از نتایج جداول شماره ۱ و ۲ استنباط می‌شود که با توجه به مقدار آلفای به دست آمده برای هر یک از گویه‌ها، میزان هماهنگی درونی برای هر یک از متغیرها در حد قابل قبولی بوده و دارای پایایی می‌باشند.

۱- نمونه با خطای ۴ درصد با استفاده از جدول لین، برابر ۶۰۰ نفر بود که جهت بالا رفتن پایایی ابزار پژوهش ۵۰ نفر اضافه در نظر گرفته شد که روی هم رفته تعداد ۶۵۰ نفر پرسشنامه توزیع شد اما در بازگشت پرسشنامه‌ها، تعداد ۶۴۳ پرسشنامه کامل شده، تحویل گردید و مبنای تحلیل‌ها قرار گرفت.

جدول شماره ۱: گویه‌ها و آلفای کرونباخ متغیر وابسته پژوهش

مقدار آلفا	گویه های بی‌تفاوتی
۰/۹۱	<p>من به مشکلات زیست‌محیطی توجه ندارم</p> <p>من اغلب خودم به دستاوردهای دیگران غبطه می‌خورم</p> <p>احساس ارزشمندی می‌کنم وقتی دیگران به من تکیه می‌کنند</p> <p>من تمایلی به اهدای خون به نیازمندان و بیماران خونی و ... ندارم.</p> <p>تمایل به واکنش در مقابل بی‌عدالتی و زورگویی مسئولین ندارم.</p> <p>از پیگیری اخبار و وقایع سیاسی - اجتماعی اجتناب می‌کنم.</p> <p>خود را جای دیگران گذاشتن و توانایی همدردی؛ خوب است.</p> <p>از افراد بی‌تفاوت به مشکلات دیگران بیزار هستم.</p> <p>زنگ زدن به پلیس هنگام مشاهده نزاع وظیفه هر کسی است.</p> <p>هرکسی خودش باید از پس مشکلاتش بر بیاید</p> <p>اگر جایی نیاز به کمک باشد، دیگران هستند من مسئولیتی ندارم.</p> <p>همیشه جواب خوبی‌های آدم را با بدی جواب می‌دهند.</p> <p>هر وقت نیاز بوده، دیگران به من کمک کرده‌اند.</p> <p>همیشه کاری می‌کنند که آدم از کمک کردن خودش پشیمان می‌شود.</p> <p>من معتقدم اگر گره از کار کسی باز کنی، دیگران هم گره از کار تو باز خواهند کرد.</p> <p>تصور کنید فردی به دلیل جرمی غیر عمد متحمل پرداخت دیه شده و توان پرداخت آن را ندارد. شما توان مالی پرداخت آن را دارید با وجود نهادهای حمایتی دولتی تا چه حد امکان دارد دیه آن شخص را پرداخت نمایید؟</p> <p>خبردار شدید همسایه‌تان از چهارپایه افتاده و حال خوبی ندارد؛ اهالی خانه کاری از دستشان بر نمی‌آید اما شدیداً نیاز به کمک است تا به بیمارستان رسانده شود؛ آمبولانس در راه است اما مشخص نیست کی می‌رسد، در چنین شرایطی تا چه حد ممکن است به کمک بروید؟</p> <p>صدای فریاد مردی و کمک خواهی زنی را از خانه‌ای می‌شنوید که به مرور جدی‌تر می‌شود در چنین موقعیتی تا چه حد امکان دارد، به کمک و مداخله بشتابید؟</p> <p>تا چه حد کسانی را که گاهی درخواست کمک مالی می‌کنند، واقعاً نیازمند می‌دانید؟</p>

جدول شماره ۲: گویه‌ها و مقادیر آلفای کرونباخ هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
گرایش دینی	تا چه اندازه در مراسمات مذهبی شرکت می‌کنید. به نظر شما تا چه حد دین نقش اساسی در زندگی انسان‌ها دارد. تا چه حد استفاده از راهنمایی‌ها و اندرزهای اشخاص مذهبی باعث سعادت انسان‌ها می‌شود. تا چه حد راه رستگاری را باید در این دنیا جستجو کرد، نه در آخرت تا چه حد اعتقاد دارید در راه اعتقاد دینی باید همه چیز حتی جان را فدا کرد.	۰/۸۵
میزان فردگرایی	یک فرد نبایستی بدون در نظر گرفتن خیر و رفاه گروه، تنها به دنبال اهداف خودش باشد. اینکه فرد کار کند تا مورد قبول گروه باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است تا اینکه کار مورد قبول خودش باشد. امروزه هر کسی باید به فکر خودش باشد و کاری به خیر و شر دیگران نداشته باشد. آدم باید مسئول رفتار و کردار خودش باشد و به دیگران کاری نداشته باشد.	۰/۷۳
سلامت اجتماعی	افراد جامعه برای من به عنوان یک شخص ارزش قائل‌اند. به نظر من مردم مهربان‌اند. مردم این روزها متقلب تر شده‌اند. من می‌توانم کارهای ارزشمندی به دنیا عرضه کنم. جامعه مکانی مفید و پربار برای افراد است.	۰/۷۵
نشاط اجتماعی	لذت بردن از زندگی برایم مشکل است. زندگی در این شهر در من احساس خوشحالی ایجاد می‌کند. در انجام دادن امورات روزمره احساس شادی می‌کنم. در این شهر من احساس راحتی و آرامش ذهنی دارم. جهان و آنچه در آن است را زیباتر می‌بینم. زندگی در این شهر من را به داشتن زندگی بهتر و ایده آل امیدوار می‌کند. برای رسیدن به اهداف خود انگیزه دارم. زندگی در این شهر سبب می‌شود در برخورد با دیگران گشاده رو باشم. زندگی در این شهر توانسته است شوخی طبیعی و شوخی با دیگران را به‌درستی ترویج دهد. زندگی در این شهر باعث شده که کنترل بیشتری بر اعصاب خود به هنگام بروز اتفاقاتی ناخوشایند داشته باشم.	۰/۸۵

جدول شماره ۲ :

متغیر	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
امید به آینده	مطمئن هستم که شرایط زندگی‌ام بهتر خواهد شد. می‌توانم آینده‌ام را تغییر دهم. می‌دانم که در زندگی درست عمل می‌کنم. من بهتر از اینکه هستم نخواهم شد. اتکا به نفس‌ام روزه‌روز بیشتر می‌شود. همیشه جنبه‌های بد را می‌بینم.	۰/۷۲
تجربیات گذشته‌ام مرا برای داشتن آینده‌ای بهتر مهیا می‌سازد.		

تعریف مفاهیم و متغیرها

متغیر بی تفاوتی: بی تفاوتی اجتماعی؛ وضعیتی است که افراد آگاهانه از لحاظ نگرشی و رفتاری نسبت به مشارکت‌های نوع‌دوستانه، مسئولیت‌های اجتماعی و دیگر کنش‌های فعال مدنی، بی‌علاقه و بی‌اعتنا می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۸). بی تفاوتی در این پژوهش با استفاده از ۱۹ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش گردید. در این طیف برای هر گویه پنج گزینه پیش روی پاسخگویان وجود داشت که هر فردی می‌توانست یکی از آن‌ها را انتخاب کند. این پاسخ‌ها بر روی طیفی از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً (۱) مخالف مرتب شدند.

فردگرایی: فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد (قادری و القونه، ۱۳۹۶: ۴). به افراد به منزله کنشگران اجتماعی نگریسته می‌شود که در کنش‌ها حضور واقعی دارند و جمع را مخلوق پویای خود می‌دانند (جلائی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۸۹). این متغیر با استفاده از ۴ گویه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت سنجش گردید.

گرایش دینی: عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعه و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح می‌باشد (کتابی و دیگران، ۱۳۸۳:

(۱۷۲). در این تحقیق جهت‌گیری‌های مذهبی توسط ۵ گویه بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجیده گردید.

امید به آینده: امید عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارت دیگر، ارزیابی مثبت از آنچه فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸: ۱۲۲). این متغیر با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت سنجش گردید.

نشاط اجتماعی: نشاط را می‌توان رضایتمندی اجتماعی، روانی و جسمانی و یا رضایتمندی از جریان‌های زندگی تعریف کرد (آرجیل و لو، ۲۰۰۱). فرایندی است که آثار جسمی و روانی زیادی را در ما برجا می‌گذارد و به‌عنوان یک ویژگی همراه یا انرژی سازنده که توانایی‌هایی فراوانی در انسان ایجاد می‌کند، تلقی می‌شود. احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود (آرگایل، ۲۰۰۰: ۸). این متغیر با استفاده از ۱۰ گویه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت سنجش شد.

سلامت اجتماعی: کبیز سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی به‌عنوان عضوی از آنهاست تعریف می‌کند (کبیز، ۲۰۰۴: ۱۲۵). این متغیر با استفاده از ۵ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش گردید. لازم به ذکر است که گویه‌هایی مدنظر بودند که بتوانند کلیت این متغیر را مورد سنجش قرار دهند و بنابراین ابعاد متغیر سلامت اجتماعی در این مطالعه مدنظر نبود.

یافته‌های پژوهش

الف - ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی پاسخگویان

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهند که ۳۵۲ نفر از پاسخگویان را مردان و ۲۷۰ نفر آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. براساس وضعیت تأهل ۴۲/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۵۱/۹

درصد متأهل می‌باشند. برحسب عنوان وضعیت شغلی افراد ۲۴/۰ درصد دارای شغل دولتی و ۳۹/۲ درصد شغل آزاد و ۲۸/۱ درصد بیکار هستند. برحسب مالکیت منزل مسکونی ۲۲/۴ درصد از پاسخگویان منازل شخصی، ۳۲/۷ درصد در منازل اجاره‌ای، ۶/۱ درصد در منازل سازمانی، ۳۳/۳ درصد در منازل آپارتمانی زندگی می‌کنند. برحسب محل تولد افراد ۷۵/۹ درصد از پاسخگویان در شهر، ۱۲/۹ درصد آن‌ها در روستا و ۲/۰ درصد آن‌ها در مناطق عشایری متولد شده‌اند. نتایج برحسب قومیت افراد نشان می‌دهد ۵۳/۸ درصد پاسخگویان کرد، ۱۱/۲ درصد لک، ۳/۰ درصد لر، ۲/۵ درصد ترک، ۲۸/۱ درصد فارس و نهایتاً ۰/۶ درصد نیز سایر قومیت‌ها بودند. همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین سن پاسخگویان برابر ۳۱/۶۶ سال می‌باشد. دامنه سنی از ۲۰ سال تا ۷۲ سال می‌باشد. میانگین حقوق ماهیانه آن‌ها برابر ۱۹۶۱۷۳۶ تومان می‌باشد. دامنه حقوق پاسخگویان از ۷۰۰ هزار تا هفت میلیون و دویست هزار تومان در ماه می‌باشد. براساس نتایج به دست آمده میانگین مدت سکونت پاسخگویان در شهر کرمانشاه ۲۷ سال و انحراف معیار آن ۱۲/۶۸ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد، میانگین میزان تحصیلات پاسخگویان ۱۳/۶۹ می‌باشد.

جدول شماره ۳ توزیع متغیرهای اصلی پژوهش را برحسب شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین میزان گرایش دینی پاسخگویان برابر ۱۶/۸۷ می‌باشد. این میانگین بالاتر از میانگین مورد انتظار برابر (۱۵) می‌باشد. متغیر بعدی در این جدول میزان فردگرایی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین میزان فردگرایی پاسخگویان برابر ۱۳/۸۱ می‌باشد. این میانگین بالاتر از میانگین مورد انتظار (۱۲) می‌باشد. می‌توان چنین استنباط کرد که میانگین میزان فردگرایی شهروندان در حد متوسط به بالا قرار دارد. متغیر بعدی در این مجموعه میزان نشاط اجتماعی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین میزان نشاط اجتماعی پاسخگویان برابر ۳۱/۳۶ با میانگین مورد انتظار که برابر (۳۰) می‌باشد؛ نسبتاً برابر است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط می‌باشد. متغیر آخر در این مجموعه میزان امید به آینده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین میزان امید به آینده برابر ۲۳/۷۴ می‌باشد. این میانگین بالاتر از میانگین مورد انتظار (۲۱) می‌باشد.

جدول شماره ۳: توزیع متغیرهای اصلی و هر یک از ابعاد آن بر حسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیش‌ترین
گرایش دینی	۱۶/۸۷	۴/۶۲	۱۵	۵	۲۵
میزان فردگرایی	۱۳/۸۱	۳/۲۶	۱۲	۴	۲۰
میزان سلامت اجتماعی	۱۷/۴۵	۳/۰۹	۱۵	۷	۲۵
میزان نشاط اجتماعی	۳۱/۳۶	۷/۶۹	۳۰	۱۰	۵۰
میزان امید به آینده	۲۳/۷۴	۴/۹۷	۲۱	۸	۳۵

آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول شماره ۴ ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های به دست آمده، رابطه میان گرایش دینی ($r=-0/12$)، میزان فردگرایی ($r=0/18$)، میزان سلامت اجتماعی ($r=-0/25$)، میزان نشاط اجتماعی ($r=-0/32$)، میزان امید به آینده ($r=-0/22$)، وضعیت سنی ($r=0/14$) و میزان تحصیلات ($r=0/13$) با بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان معنادار می‌باشد. از نتایج به دست آمده می‌توان استنباط کرد که با افزایش گرایش دینی، نشاط و سلامت اجتماعی و میزان امید به آینده، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان کاهش پیدا می‌کند و این متغیرها با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس دارند؛ اما با افزایش فردگرایی در جامعه، افزایش سن افراد و هم چنین افزایش تحصیلات، شاهد افزایش بی‌تفاوتی در جامعه خواهیم بود.

جدول شماره ۴: ماتریس همبستگی بین میزان گرایش دینی و بی‌تفاوتی اجتماعی

همبستگی	ضریب همبستگی	معناداری
گرایش دینی	-۰/۱۲	۰/۰۰۴
میزان بی‌تفاوتی	۰/۱۸	۰/۰۰۰
اجتماعی	-۰/۲۵	۰/۰۰۰
میزان سلامت اجتماعی	-۰/۳۲	۰/۰۰۰
میزان نشاط اجتماعی	-۰/۲۲	۰/۰۰۰
میزان امید به آینده	-۰/۱۴	۰/۰۰۱
سن پاسخگو	۰/۱۳	۰/۰۰۳
میزان تحصیلات		

جدول شماره ۵ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی را برحسب محل تولد پاسخگویان نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان بی تفاوتی افرادی که در شهر متولد شده‌اند (۶۵/۰۰) بیشتر از کسانی است که متولد روستا هستند (۵۹/۸۸) و یا در میان عشایر متولد شده‌اند برابر (۵۸/۸۳) است.

جدول شماره ۵: میانگین نمره میزان بی تفاوتی پاسخگویان برحسب محل تولد

انحراف معیار	میانگین	تعداد	محل تولد	متغیر وابسته
۹/۷۸	۶۵/۰۰	۴۲۷	شهر	بی تفاوتی اجتماعی
۶/۹۱	۵۹/۸۸	۷۰	روستا	
۷/۸۳	۵۸/۸۳	۱۲	عشایر	

جدول شماره ۶ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی برحسب محل تولد نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف با هم تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون تحلیل واریانس با مقدار (F=۳/۱۸) و مقدار معناداری (Sig=۰/۰۴۲) در سطح حداقل ۰/۹۵ قابل پذیرش می‌باشد.

جدول شماره ۶: آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی برحسب محل تولد

وارianس	مجموع مجزورات	df	MS	F	Sig.
بین گروه‌ها (Between groups)	۳۸۳/۱۹۴	۲	۱۹۱/۵۹۷		
درون گروه‌ها (Within groups)	۳۰۵۰۲/۹۳۶	۵۰۶	۶۰/۲۸۲	۳/۱۸	۰/۰۴۲
کل (Total)	۳۰۸۸۶/۱۳۰	۵۰۸			

جدول شماره ۷ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی برحسب قومیت آن‌ها را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان بی تفاوتی اجتماعی برای افرادی که دارای قومیت فارس هستند، بیشتر از قومیت لک، کرد و لر، و ترک می‌باشد. براین اساس قومیت فارس دارای بیشترین میانگین بی تفاوتی و قومیت لک دارای کمترین میانگین بی تفاوتی می‌باشند.

جدول شماره ۷ میانگین نمره میزان بی تفاوتی پاسخگویان برحسب قومیت

متغیر وابسته	قومیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
میزان بی تفاوتی اجتماعی پاسخگویان	کرد	۳۰۰	۶۰/۱۵	۷/۱۶
	لک	۶۱	۵۶/۹۱	۷/۳۱
	لر	۱۷	۵۷/۵۸	۶/۹۳
	ترک	۱۴	۵۸/۸۵	۴/۵۷
	فارس	۱۵۱	۶۰/۲۵	۸/۸۸

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف با هم تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون تحلیل واریانس با مقدار ($F=۲/۳۴$) و مقدار معناداری ($Sig=۰/۰۴۰$) در سطح حداقل $۰/۹۵$ قابل پذیرش می‌باشد.

جدول شماره ۸: آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی پاسخگویان برحسب قومیت

وارianس	وارianس	مجموع مجزورات	df	MS	F
بین گروه‌ها (Between groups)	۶۸۲/۴۲۵	۵	۱۳۶/۴۸۵	۲/۳۴	۰/۰۴۰
درون گروه‌ها (Within groups)	۳۱۴۷۸/۲۶۶	۵۴۰	۵۸/۲۹۳		
کل (Total)	۳۲۱۶۰/۶۹۰	۵۴۵			

جدول شماره ۹ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی اجتماعی برحسب جنسیت آن‌ها را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون تی دو گروه مستقل نشان می‌دهد میانگین میزان بی تفاوتی اجتماعی در زنان کمتر از مردان است. این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون تی دو گروه مستقل با مقدار ($T=۲/۸۷$) و مقدار معناداری ($Sig=۰/۰۰۴$) در سطح حداقل $۰/۹۵$ قابل پذیرش بوده و فرضیه مذکور مورد پذیرش می‌باشد.

جدول شماره ۹ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی برحسب قومیت

متغیر وابسته	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	میزان T	معناداری
بی تفاوتی	مرد	۶۰/۶۸	۷/۵۴	۲/۸۷	۰/۰۰۴
اجتماعی	زن	۵۸/۷۷	۴/۷۸		

آزمون رگرسیون چندگانه

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده به عمل آمد. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می شوند و متغیرهایی که تأثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند، خارج از معادله قرار می گیرند. یکی از پیش فرض های تحلیل رگرسیونی، مستقل بودن خطاها از یکدیگر می باشد. به این منظور از آزمون دوربین واتسون استفاده شد که مقدار آن برابر با ۱/۸۹ نشان دهنده استقلال خطاها از همدیگر می باشد.

همچنین نتایج به دست آمده از آزمون کولمروف-اسمیروف نشان می دهد که باقی مانده های مدل، توزیعی نرمال دارند و سطح معنی داری آزمون کولموگروف-اسمیروف برابر ۰/۱۲ بوده که نشان می دهد توزیع مذکور نرمال است.

طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۱۰، پنج متغیر نشاط اجتماعی، سلامت اجتماعی، دینداری، سن و میزان فردگرایی وارد معادله شدند. آزمون T نشان می دهد که ضریب بتا برای این پنج متغیر در سطح معناداری قرار دارد و این پنج متغیر توانسته اند در گام نهایی مقدار ۰/۴۶ از تغییرات درونی متغیر میزان بی تفاوتی را تبیین کنند. به عبارت دیگر می توان گفت ۴۶ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه بر اثر تغییرات این پنج متغیر مستقل می باشد.

جدول شماره ۱۰ تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش بینی متغیر میزان بی تفاوتی

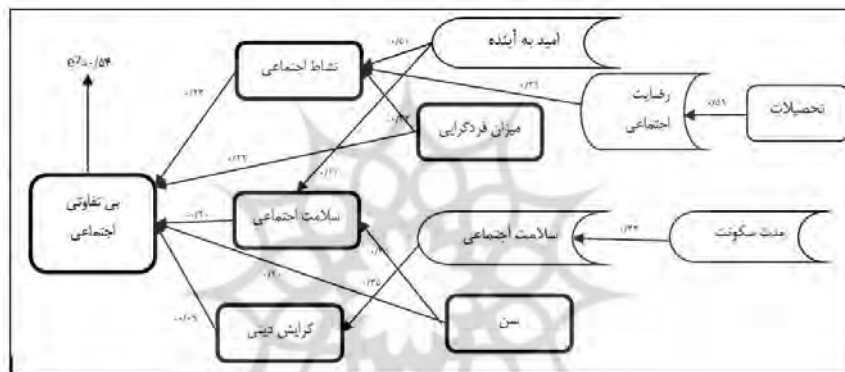
مرحله	نام متغیر	B	Beta	t مقدار	معناداری	R ²	آزمون فیشر	معناداری	
۱	نشاط اجتماعی	-۰/۲۴	-۰/۲۳	-۴/۷۶	۰/۰۰۰	۰/۳۰	۲۲/۳۳۸	۰/۰۰۰	
۲	فردگرایی	۰/۵۷	۰/۲۲	۵/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۳۹			
۳	سن	۰/۱۴	۰/۲۰	۴/۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۱			
۴	سلامت اجتماعی	-۰/۵۱	-۰/۲۰	-۴/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۵			
۵	گرایش دینی	-۰/۱۶	-۰/۰۹	-۲/۲۰	۰/۰۲۸	۰/۴۶			
Method= Stepwise					Constant=54/317				

بر این اساس معادله رگرسیون چندمتغیره در پژوهش حاضر به این صورت می باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

میزان بی‌تفاوتی = $0/23 -$ (نشاط اجتماعی) $+ 0/22$ (میزان فردگرایی) $+ 0/20$ (سن) $+ ei$
 $- 0/20$ (میزان سلامت اجتماعی) $+ 0/09$ (گرایش دینی)

برای سنجش اثر هر یکی از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و مقدار تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم از تحلیل مسیر استفاده شده است.



مدل شماره ۲ مدل تحلیل مسیر

نتایج حاصل از دیاگرام فوق نشان می‌دهد که نشاط اجتماعی دارای بیشترین مقدار تأثیر مستقیم و امید به آینده دارای بیشترین تأثیر غیرمستقیم و هم‌چنین متغیر میزان فردگرایی دارای بیشترین تأثیر کل بر متغیر وابسته می‌باشد. در تحلیل مسیر فوق از مقادیر بتا به دست آمده از طریق رگرسیون، برای ضرایب مسیر استفاده گردید. میزان R^2 در این تحلیل $0/46$ می‌باشد. در مقابل R^2 عدد مهم دیگری به نام ضریب خطا یا ضریب پس ماند وجود دارد که آن را با e نشان می‌دهند، ضریب خطا میزان تأثیر عوامل غیر از متغیرهای مدل است و به عبارت دیگر ضریب خطا نسبت واریانس توضیح داده نشده توسط مدل تحلیلی است. مقدار واریانس تبیین نشده برابر $e^2 = 0/54$ است که بنابراین می‌توان گفت که $0/54$ واریانس را مدل تبیین نکرده است و $0/46$ آن به وسیله متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شده است که این برازش خوبی از مدل را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱ اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل هر یک از متغیرها بر میزان بی تفاوتی پاسخگویان را طبق مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد. مقایسه ضرایب این تأثیر را آشکار می‌سازند.

جدول شماره ۱۱ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر میزان بی تفاوتی اجتماعی

متغیرها	نوع اثر		اثر کل (ضریب اثر)
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	
امید به آینده	-	-۰/۲۴۷	-۰/۲۴۷
میزان فردگرایی	۰/۲۲	-۰/۰۷۸	۰/۲۹۸
نشاط اجتماعی	-۰/۲۳	-	-۰/۲۳
سلامت اجتماعی	-۰/۲۰	-	-۰/۲۰
سن	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۹
رضایت اجتماعی	-	-۰/۲۳	-۰/۲۳
گرایش دینی	-۰/۰۹	-	-۰/۰۹
سرمایه اجتماعی	-	-۰/۱۰۸	-۰/۱۰۸
میزان تحصیلات	-	۰/۶۷	۰/۶۷
مدت زمان سکونت	-	۰/۱۹۹	۰/۱۹۹

بحث و نتیجه‌گیری

بحث اساسی در این پژوهش بی تفاوتی اجتماعی شهروندان شهر کرمانشاه می‌باشد. براساس یافته‌های به دست آمده، گرایش دینی با بی تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری نمی‌باشد ($t=۰/۰۱۲$). به این معنا که با افزایش گرایش دینی میزان بی تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش پیدا نمی‌کند. همچنین فردگرایی با بی تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($t=۰/۲۰۲$) می‌باشد. نتیجه به دست آمده از این فرضیه با مطالعه محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی داشته و همسو با نتایج آن است که فردگرایی باعث بالا رفتن احساس بی تفاوتی در جامعه می‌شود. این نتیجه براساس دیدگاه نظری زیمل قابل بررسی است. زیمل نمود و ظهور بی تفاوتی را با زندگی مردم در کلان‌شهرها، فردگرایی، غلبه رواج عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و نهایتاً دل‌زدگی

اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده است. او معتقد است مردم در جوامع مدرن الگوی یکسانی را در وابستگی‌های گروهی خود ندارند. در این حالت ایجاد روابط اجتماعی، همزمان با وابسته شدن فرد به گروه‌ها، چندگانه می‌شود. لذا زمینه برای ظهور فردگرایی نیز فراهم می‌شود، البته حین بروز فردگرایی نیز، بسیاری از وابستگی‌های گروهی با تضاد همراه می‌شود و در نتیجه زمینه بی‌تفاوتی اجتماعی را فراهم می‌آورد. همچنین دورکیم معتقد است در عصر حاضر رشد فعالیت‌های اقتصادی، شهرگرایی، فردگرایی، تخصص‌گرایی حرفه‌ای و رشد دولت بوروکراتیک تماماً کارکردهای خانواده، مذهب، منطقه و همسایگی را به عنوان مکانیزم‌هایی در مسیر ترفیع پیوند افراد به جمع اجتماعی تقلیل می‌دهد. او فردگرایی افراطی را به منزله‌ی محصول گسیختگی پیوند فرد و اجتماع می‌داند. فردگرایی که به صورت تطابق نداشتن با هنجارهای اجتماعی، بی‌نظمی و کاهش هم‌بستگی تجلی پیدا می‌کند، منجر به از خودبیگانگی می‌شود. وضعیت بی‌هنجار در جامعه به این بیگانگی و جدایی فرد از هنجارهای جامعه شدت می‌بخشد. حاکمیت عقل‌گرایی ابزاری و پیگیری تراکم ثروت در جامعه، تقویت‌کننده فردگرایی و در نهایت بی‌تفاوتی اجتماعی است.

براساس یافته‌های به دست آمده، سلامت اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($r = -/۱۳۶$) می‌باشد. به این معنا که با افزایش سلامت اجتماعی، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. این متغیر براساس نظریه کبیز قابل استنباط است. کبیز معتقد است که اگر فرد شرایط دو بعد سلامت احساسی (احساس خوب و رضایت از زندگی) و بعد کارکرد مثبت را داشته باشد، از سلامت روانی برخوردار است. کبیز نبود سلامت روانی را پژمردگی می‌خواند. براساس این دیدگاه، افراد بی‌تفاوت، احساس خوبی به زندگی ندارند و کارکرد روانی و اجتماعی‌شان مشکل دارد. این افراد دچار یاس و نومییدی بوده و زندگی خود را پوچ و خالی می‌بینند.

براساس یافته‌های به دست آمده، نشاط اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($r = -/۱۱۴$) می‌باشد. به این معنا که با افزایش نشاط اجتماعی، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. نشاط اجتماعی دارای اثرات و آثاری چند بر زندگی شهروندان و جامعه بوده که می‌تواند حس تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی،

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وفاق اجتماعی، افزایش رضایت از زندگی یا رضایت شغلی، پویایی اجتماعی، کاهش هزینه‌های مردم، افزایش امید در جامعه، ارتقاء کیفیت زندگی، افزایش خلاقیت و نوآوری، کاهش آسیب‌های اجتماعی (خصوصاً در جوانان) به‌وجود آورد. بدون شک در چنین محیطی امنیت اجتماعی و فردی راحت‌تر به‌دست می‌آید. شاد بودن جامعه یکی از عوامل بسیار موثر در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و کاهش نابسامانی‌های خانوادگی، طلاق، افزایش میزان میل و رغبت تحصیلی و دل‌به‌کار دادن و افزایش تولید می‌شود.

متغیر دیگری که بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر دارد، امید به آینده است. امید به آینده با بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($r = -0.269$) می‌باشد. با افزایش امید به آینده، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. امید و امیدواری جایگاه خاصی در سلامتی اجتماعی و به تبع آن، پیشرفت فرد و جامعه دارد؛ که نقش امید در پیشبرد توسعه جامعه به اهداف بلندمدت و آینده‌نگر بسیار بااهمیت است. امید یک حال روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است، به طور طبیعی، انگیزه بشر در کارهای اختیاری با امید به نفع و به زیان ترس است. امید که از معرفت و شناخت نسب به مبدأ و معاد حاصل می‌شود و همه تلاش‌های مفید و پرثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است.

براساس یافته‌های به‌دست آمده، سن با بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($r = -0.096$) نمی‌باشد. به این معنا که با افزایش سن میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها تغییری نخواهد یافت. بررسی ارتباط بین متغیرهای فردی و جمعیت‌شناختی با متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی نشان می‌دهد که سن افراد تأثیری بر بی‌تفاوتی اجتماعی ندارد. این یافته با نتایج پژوهش قاضی و کیانپور (۱۳۹۳) که می‌گوید با افزایش سن، تمایل به بی‌تفاوتی افزایش می‌یابد همخوانی دارد. البته باید توجه داشت که در پژوهش حاضر تفاوت‌های سنی افراد مورد مطالعه از نوسان زیادی برخوردار نیست و چه بسا اگر گروه‌های سنی با اختلاف بیشتری مورد مطالعه قرار گیرند. در تحقیقی که محسنی تبری و صداقتی فرد (۱۳۹۰) انجام داده‌اند سن نقش اثرگذاری در رابطه با بی‌تفاوتی اجتماعی ندارد و با نتایج این پژوهش

همسو می‌باشد. این فرضیه با تحقیق نوابخش و میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴) که نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها بر اساس ضریب همبستگی که میان سن و بی‌تفاوتی اجتماعی انجام داده بودند، بیانگر رابطه متوسط و غیرمستقیم بود به این معنا که با افزایش، یا کاهش سن، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش، یا افزایش می‌یابد که با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج حاصل از مطالعه ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) که سن بر بی‌تفاوتی تأثیر معناداری دارد، ناهمسو می‌باشد.

همچنین میزان تحصیلات با بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان دارای رابطه معناداری ($r=0/011$) نمی‌باشد. نتیجه به دست آمده از این فرضیه با مطالعه محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) که معتقد است تحصیلات بالا باعث کاهش بی‌تفاوتی در جامعه می‌شود، ناهمسو بوده ولی با نتایج پژوهش قاضی زاده و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی داشته و همسو با نتایج آن است که تحصیلات ارتباط خاصی با احساس بی‌تفاوتی در جامعه ندارد. میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب متغیر رشته تحصیلی تغییر معناداری نداشت که بررسی دقیق‌تر علل آن موکول به تحقیقات آینده است. البته تأثیرات جزئی به لحاظ تحصیلی، درجات پایین تحصیلی بالاترین حد بی‌تفاوتی اجتماعی و افزایش میزان تحصیلات با کمترین حد آن را نشان داده‌اند که می‌تواند ریشه در نقش مشهود سواد و معلومات عمومی و دانشگاهی در درک صحیح فرایندها و مسأله‌های اجتماعی جامعه داشته باشد.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی برای افراد با قومیت‌های مختلف یکسان است. این نتیجه براساس آزمون تحلیل واریانس با مقدار ($F=1/11$) و مقدار معناداری ($Sig=0/35$) در سطح حداقل $0/95$ قابل پذیرش نبوده و فرضیه مذکور مورد پذیرش نمی‌باشد. نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتیجه مطالعه محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) که به وجود رابطه بین دو متغیر معتقد است، ناهمسو می‌باشد. تنوع قومیتی از طرفی عامل تشدیدکننده تنفر سیاسی افراد و به دنبال آن، احساس بی‌قدرتی و بیگانگی بین افراد است؛ اما از طرف دیگر موجب کاهش تعلق اجتماعی افراد به جامعه، احساس بی‌قدرتی، بی‌اثری و در نهایت جدا افتادگی افراد از جامعه می‌گردد. با توجه به این که طیف اکثریت در این مطالعه قوم کرد بودند، قومیت کرد نیز در ایران که همواره

به مثابه اجتماعی جامعه محور و متعصب به ارزش‌های ملی و مذهبی شناخته شده است در نتایج این پژوهش کمترین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی را نشان داده است.

با توجه به اینکه یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی پاسخگویان، نشاط اجتماعی است، بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان نسبت به تقویت شبکه‌های اجتماعی، تشویق عضویت در آن‌ها و همچنین تقویت شبکه‌های مروج شادی می‌تواند در توسعه نشاط اجتماعی اقدام نمایند؛ همچنین پیشنهاد می‌شود نهادهای ذی‌ربط با تقویت بحث شادی آگاهانه در جامعه شامل فعالیت‌های رفتاری (ورزش، محبت به دیگران، حضور در اجتماع)، شناختی (تفکر مثبت، توجه به مواهب) و فعالیت‌های داوطلبانه (تلاش و کوشش، مساعی در تحقق اهداف) نشاط مثبت اجتماعی را سبب گردند و بدین ترتیب زمینه‌های کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی را به‌وجود آورند.

بین میزان سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان رابطه وجود دارد. یکی از راهکارهای عمده برای مسئولین و برنامه‌ریزان شهری، افزایش و تقویت میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان است. اگر میزان سرمایه اجتماعی در جامعه تقویت شود، مشارکت و همدلی به تبع آن بیشتر می‌شود و در نتیجه بی‌تفاوتی کاهش پیدا می‌کند. توسعه پایدار مهم‌ترین شاخص رشد و پیشرفت یک کشور است و رشد مشارکت و سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه پایدار در جهان معاصر است. سرمایه اجتماعی با قانون و بخشنامه در جامعه افزایش پیدا نمی‌کند و تمامی اجزای جامعه باید در این زمینه فعال باشند. برای ارتقای همدلی اجتماعی در جامعه باید هم دولت و هم مردم وارد عرصه شوند. روحانیون، صاحب‌نظران، معتمدین، ورزشکاران، اساتید و ... همه می‌توانند موثر باشند اما شرط اول این حرکت این است که بپذیریم ما جامعه‌ای هستیم که داریم به سمت بی‌تفاوتی اجتماعی و فردگرایی بیشتر گرایش پیدا می‌کنیم.

بین میزان فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان رابطه وجود دارد. جامعه باید تلاش کند تا فرزندان خود را از کودکی مسئولیت‌پذیر تربیت کند. به‌جای تقویت فردگرایی، باید توجه به سمت منافع جمعی در سبک زندگی و الگوهای تربیتی جایگزین شود.

منابع

- از کیا، مصطفی (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، موسسه نشر کلمه.
- استونز، راب. (۱۳۸۸) *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷) *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران، نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی نظم*، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) *چهارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دشتی، علی (۱۳۷۶) دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیت‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی. *فصلنامه فرهنگ*، شماره ۲۲. ۱۵۳-۱۹۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷) *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
- روشه، گی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی تالکت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات تبیان.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- زیمل، گئورگ (۱۳۹۳) *درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ثالث.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی شهری*، تهران، انتشارات سمت.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۱) *جامعه‌شناسی شهری*، تهران، نشر علمی.
- ظهیری‌نیا، مصطفی؛ فاطمه گلابی و رحیم هدایت‌ایورق (۱۳۹۴) شناسایی عوامل مؤثر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی، *مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، ۸۶-۱۱۱.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره پنجم. شماره دوم، ۶۲-۹۹.
- علمدار، فاطمه‌السادات، محمدرضا جوادی یگانه و جبار رحمانی (۱۳۹۷) فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره نهم، شماره اول، ۱۶۵-۱۹۰.

- علیان‌سب شریبان، میرابراهیم و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۹۵)، پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: فرهنگیان منطقه ۱۸۲۱ استان آذربایجان شرقی)، *سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم*، شیراز، با همکاری مشترک دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر - دانشگاه زرقان، واحد پژوهش دانش پژوهان همایش آفرین.
- عنبری، موسی و سارا غلامیان (۱۳۹۵) تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۵۹-۱۳۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲) *پشت دریاها شهری است: فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم‌نگاری شهری*، تهران انتشارات تیسرا.
- قایدگیوی، فرود؛ محمودی، سیدمحمد؛ سعادت، صدیقه و روانبخش جهانشاهی (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان کلان شهر شیراز)، *سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی*.
- فیالکوف، یان کل (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.
- فیروز جانیان، صادق صالحی و آزاده شفیعی (۱۳۹۶) بی‌تفاوتی زیست محیطی به مثابه بی‌تفاوتی اجتماعی، *جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره سوم، صص ۷۵-۵۵.
- قاضی‌زاده، هورامان و مسعود کیانپور (۱۳۹۳) بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره اول، ۷۸-۵۹.
- کرایب، یان (۱۳۸۲) *نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم، زیمل*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.
- کرایب، یان (۱۳۸۹) *نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: سروش.
- کلانتری، صمد و ادیبی، مهدی و همکاران (۱۳۸۶) بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه‌ی ایران و عوامل مؤثر بر آن، *دوماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال چهاردهم، دوره‌ی جدید شماره ۲۲، ۳۶-۲۷.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲) *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

- کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۳) «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد هفدهم، شماره دوم، ۱۶۹-۱۹۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ پنجم
- مایلز ایستون و مالکوم مایلز (۱۳۹۲) *شهرهای مصرفی*، ترجمه مصطفی قلیچ و محمد حسن خطیبی بایگی، تهران، انتشارات تیسرا.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۲) بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل: مطالعه موردی دانشجویان ایرانی، *نامه علوم اجتماعی*، جلد دوم، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۲۲، ۱۳۱-۱۴۵.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۱) آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۸۲، ۱۸۲-۱۱۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا و مجتبی صدیقی فرد (۱۳۹۰). بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (موردپژوهش: شهروندان تهرانی)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، ۲۲-۱.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰) تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، *مجله سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸، ۱۵۲-۱۶۵.
- قادری، طاهره و زهرا القونه (۱۳۹۶) بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آنها)، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۲۶، شماره ۱، ۳۱-۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی شهر*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- میرزا پوری، جابر و مهرداد نوابخش (۱۳۹۴) «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل». *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال هفتم، شماره سوم، ۵۳-۶۷.
- میرزاپوری، جابر (۱۳۹۵) *بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- نوابخش، مهرداد و میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴) تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل)، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره سوم، ۵۳-۶۷.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸) بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی)، *فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی*، ۱(۳)، ۲۸-۷.
- Argyle, M., & Lu, L. (2001) *The psychology of happiness*. London: Rutledge.

- Bogen, Rachel & Marlowe, Jay (2015). Asylum Discourse in New Zealand: Moral Panic and a Culture of Indifference, *Australian Association of Social Workers*, 1-12.
- Keyes Corey L & Shapiro Adam D. (2004) *Social Well-Being in the United States: A Descriptive Epidemiology*. In Brim, Orville Gilbert; Ryff, Carol D. and Kessler, Ronald C. (Eds) How Healthy Are We? A National Study of Well-Being at Midlife. U.S. University of Chicago Press.
- Lin, N. (1974). *Foundation of Social Research*, New York: MC Graw. Hill.
- Murty, J. Paneb, M. (2013) Apathy towards Environmental Issues, Narcissism, and Competitive View of the World, *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 101, 44 – 52.
- Pickering, S. & Lambert, C. (2001) Immigration detention centres, human rights and criminology in Australia. *Current Issues in Criminal Justice*, 3(2), 219–223.
- Robinson, Jeffrey S. Joel S. Plaks, Jason E. (2015) Empathy for the group versus indifference toward the victim: Effects of anxious avoidant attachment on moral judgment, *Journal of Experimental Social Psychology*, 56, 139-152.
- Turner, C. (1998) *Social Identity, Organization and Leadership*. in; E. Turner, Group at work, london; Lawrence, Erlbaum.